



بسم الله الرحمن الرحيم

**سؤال:** که آیا جن حقیقت دارد؟ و در صورت واقعیت آیا می تواند تأثیر بگذارد؟ راه نجات و علاج آن چیست؟

**جواب:** در مورد حقیقت حیات و زندگی جن، خداوند به آن عالمتر است ولی ما می دانیم که جن اجسامی حقیقی هستند که خداوند آنها را از آتش آفریده است، می خورند و می آشامند، ازدواج می کنند و زاد و ولد دارند چنانکه خداوند متعال در مورد شیطان می فرماید: ﴿أَفْتَحْذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أُولِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ﴾ (کهف ۵۰) «آیا غیر از من شیطان و فرزندان او را به دوستی می گیرید در حالیکه آنها دشمن شما هستند.» و آنها مکلف به انجام عبادت هستند. رسول الله صلی الله علیه و سلم در حالیکه به سوی انسان مبعوث گشته به سوی آنها هم مبعوث شده است. بعضی وقتها آنها به حضور رسول الله صلی الله علیه و سلم مشرف شده و به قرآن گوش فرا داده اند. چنانکه خداوند متعال می فرماید: ﴿قُلْ أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ۖ يَهْدَى إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۖ وَلَنْ نُشْرَكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ۖ﴾ (جن ۱-۲) «بگو که به من وحی شده

است جماعتی از جن قرائت مرا گوش داده اند سپس گفتند: ما قرآن عجیبی را شنیدیم که به سوی راه راست راهنمایی می کند و ما به آن ایمان آوردیم و هیچکس را هرگز شریک پروردگار خویش قرار نمی دهیم.» و باز می فرماید: ﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا ۖ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ۖ﴾ قَالُوا يَنْقُومَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ۖ﴾ (احقاف ۲۹-۳۰) «یاد کن هنگامی که جماعتی از جن را متوجه تو کردیم که قرآن را می شنیدند آنگاه که نزد پیامبر حاضر شدند به یکدیگر گفتند که سکوت کنید و آنگاه که تمام شد به سوی قوم خویش با حالت انذار بازگشتند و گفتند: ای قوم ما کتابی را که بعد از موسی فرود آمده را شنیدیم که هر آنچه را قبل از او بوده تصدیق می کند و به سوی حق و راه مستقیم دعوت می کند.» از رسول الله صلی الله علیه و سلم ثابت است که به رؤسای جن که پیش او آمده و از توشه و غذایشان سؤال کردند، فرمود: ﴿لَكُمْ كُلُّ عَظْمٍ ذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَجِدُونَهُ أَوفَرَ مَا يَكُونُ لَحْمًا﴾ (هر استخوانی که در عین تناول اسم خداوند بر آن برده شده برای شماسست بیشتر از آنچه گوشت باشد در آن

خواهید یافت.) جن هنگامی که انسان غذا می خورد و اسم خدا را بر زبان نمی راند با او می خورد به همین خاطر هنگام خوردن غذا و نوشیدن آب بسم الله گفتن به شیوه ای که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده واجب می باشد. وجود جن حقیقت دارد و انکار آن تکذیب قرآن و کفر به خداوند عزوجل می باشد. آنها نیز به مانند انسان مورد خطاب شرع می باشند و به آنها امر و نهی شده است. کافر جن داخل جهنم می گردد همانگونه که پروردگار متعال می فرماید: ﴿قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا﴾ (اعراف ۳۸) «الله تعالی می فرماید: همراه امتیایی که پیش از شما از جن و انس بودند داخل آتش شوید و هرگاه قومی داخل جهنم می شد قوم دیگر مانند خود را لعنت می کرد.» از جن کسانی که اهل ایمان هستند وارد بهشت می شوند چنانکه خداوند بلند مرتبه می فرماید: ﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ۖ فِيهَا ۖ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۚ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ۖ فِيهَا ۖ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ (رحمن ۴۶-۴۹) «برای کسی که از ایستادن در حضور پروردگارش ترسان است دو بوستان می باشد پس کدامین نعمت پروردگارتان را انکار می

کنید؟! دو بوستان که دارای شاخه های بسیارند. پس کدامین نعمت پروردگارتان را انکار می کنید؟! چنانکه خطاب به جن و انس می فرماید: ﴿يَمَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ۖ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا ۖ قَالُوا شَٰهَدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا ۖ وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا وَشَٰهَدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ﴾ (انعام ۱۳۰) «ای جماعت جن و انس آیا رسولانی از جنس خودتان پیش شما نیامدند که آیات مرا بر شما بخوانند و شما را از این روز آگاه گردانند و بترسانند. گفتند: ما بر علیه خویش شهادت می دهیم و زندگی دنیا آنها را مغرور کرد و بر علیه خویش شهادت دادند که کافر بوده اند.» آیات و نصوص دیگر در این باره بسیار زیاد است که آنها اهل تکلف هستند و در صورت داشتن ایمان داخل بهشت و در صورت کفر و عدم ایمان به جهنم وارد می گردند. اما در مورد تأثیرشان بر انسان باید بگویم که واقعیت دارد و بر انسان تأثیر می گذارند یا داخل جسم انسان می شوند و او را مصروع و نارحت می کند و یا باعث ایجاد ترس و وحشت در او می شوند. راه علاج و چاره آن در شرع، چون قرائت آیت الکرسی است که اگر در شب بخواند از جانب پروردگار حفاظت می شود و تا صبح شیطانی به او نزدیک نمی شود.

**سؤال:** آیا ابلیس جزو ملائکه می باشد؟

**جواب:** ابلیس جزو ملائکه نمی باشد زیرا او از آتش

آفریده شده و ملائکه از نور خلق شده اند. طبیعت و ماهیت ابلیس و ملائکه با هم فرق دارد. ملائکه را خداوند اینگونه وصف می کند: ﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ (تحریم ۶) «در آنچه خداوند به آنها دستور می دهد نافرمانی نمی کنند و آنچه را که به آن مأمورند انجام می دهند.» و باز در موردشان می فرماید: ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ ۖ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ﴾ ﴿يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْترُونَ﴾ (انبیاء ۱۹-۲۰) «آنانی که در نزد پروردگارند سرکشی نمی کنند و از عبادتش خسته نمی شوند و بدون سستی او را شب و روز تسبیح می گویند.» اما شیطان بر عکس آن است اولاً او متکبر و سرکش است، چنانکه الله تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ ۚ﴾ (البقره ۳۴) «جز ابلیس که تکبر کرد و سرکشی نمود و از زمره کافران گشت.» اما هنگامی که خداوند ملائکه را مورد خطاب خود قرار داد که برای آدم سجده کنند ابلیس در بین آنها بود و در عبادت با آنها همراهی می کرد گرچه قلبش پناه بر خدا به وسیله کفر و استکبار پوشیده شده بود. چون

خطاب پروردگار به همه آنها بود لذا استثناء کردن او از ملائکه صحیح می باشد چنانکه می فرماید: ﴿فَسَجِدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾ «جز ابلیس همگی سجده کردند.» و حال آنکه بدون شک جزو آنها نبود؛ چنانکه می فرماید: ﴿فَسَجِدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ﴾ (کهف: ۵۰) «همگی جز ابلیس سجده کردند و او از جن بود. از دستور پروردگارش سرپیچی کرد.» و الله اعلم.

**سؤال:** آیا جن می تواند بر انسان تأثیر داشته باشد و در صورت تأثیر گذاشتن راه محفوظ شدن از آن چیست؟

**جواب:** بدون شک جن به وسیله اذیت و آزار قادر به تأثیر گذاشتن بر انسان است تا آنجا که منجر به مرگ او می شود. گاهی با سنگ انداختن انسان را اذیت می کند و گاهی انسان را با چیزهای دیگر که به وسیله سنت ثابت می شود و واقعیت امر بر آن دلالت می کند، می ترساند. در سنت صحیح ثابت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم به یکی از اصحابش اجازه داد که به نزد اهل و عیالش برگردد این کار در یکی از غزوات که به گمانم غزوه خندق بود روی داد. فرد مذکور جوان و تازه عروسی کرده بود وقتی به خانه رسید، دید که زنش بر در خانه ایستاده است از این کار زنش ناراحت شد اما زنش به

او گفت که داخل شود؛ وقتی که داخل خانه گردید ماری را دید که خود را بر زیرانداز و فرش چسبانده است. ایشان هم نیزه ای در دست داشت با آن آنقدر مار را زد تا مرد ولی در همان زمان که مار مرد، مرد نیز زندگی را بدرود گفت و دانسته نشد که کدامیک زودتر مرده اند. هنگامی که این خبر به رسول الله صلی الله علیه و سلم رسید «نَهَى عَنْ قَتْلِ الْجِنَّانِ الَّتِي تَكُونُ فِي الْبُيُوتِ إِلَّا الْبَتْرَ وَذَا الطُّفَيْتَيْنِ» (مسلم) (از کشتن مارهای کوچک در خانه به جز مار دم بریده و یا ماری که دو خط سفید بر پشت داشته باشد نهی فرمود.) این دلیل است بر اینکه جن گاهی به انسان تعدی می کند و موجب آزار او می شود همانگونه که واقعیت نیز شاهد بر این مدعاست. در اخبار متواتر و شایع به ما رسیده که انسانی از کنار مخروبه ای می گذرد و به سویش سنگ پرتاب می شود در حالیکه در آن ویرانه انسانی مشاهده نمی کند و گاهی صدایی را می شنود و یا نجوایی را چون به هم خوردن درختان به گوشش می خورد که باعث وحشت و اذیتش می گردد و چه بسا جنی به داخل جسد انسانی داخل شود که علل مختلفی چون عشق و یا قصد آزار و اذیت داشتن و یا دلایل دیگری باعث آن می گردد. این جمله در این آیه شریفه به آن اشاره شده است: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ

مِنَ الْمَسِّ﴾ (بقره ۲۷۵) «کسانی که ربا خوارند از گور برنمی خیزند مگر چون کسی که شیطان به سبب آسیب رساندن به او دیوانه شده باشد.» در این نوع، گاهی جن در درون انسان با خود سخن می گوید و کسی را که آیات قرآن را می خواند مورد خطاب قرار می دهد و گاهی قاری از او عهد می گیرد که بار دیگر برنگردد و مسائل دیگر از این قبیل که در میان مردم به صورت متواتر و خبرهای مشهور منتشر می شود. سخن آخر اینکه راه حفظ و وسیله منع کننده از شر جن این است که چیزی را که در سنت آمده و به وسیله آن از شر جن محفوظ می شود را بخواند که از آن جمله آیت الکرسی است چون اگر کسی در شب آن را بخواند از طرف خداوند بر او محافظی گماشته می شود و تا صبح شیطان به او نزدیک نمی گردد. و الله الحافظ.

**سؤال:** حکم جنی که به انسان خدمت می کند، چیست؟

**جواب:** شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - در مجلد ۱۱ از مجموع الفتاوی در این باره بیان داشته که مضمون آن بدین صورت است: خدمت جن برای انسان سه حالت می تواند داشته باشد:

اول اینکه: او را در اطاعت امر پروردگار به کار گمارد مثل اینکه نماینده او در امر تبلیغ شرع باشد مثلاً اگر رفیقی از



جن داشته باشد به شرط ایمان می تواند علوم شرعی را به او بیاموزد و برای رساندن دین خدا برای افراد مثل خودش از آن سود جوید و یا در هر کار مشروع دیگری از او استفاده کند که این مسائل جزو دعوت الی الله می باشد. همانگونه که جن پیش پیامبر صلی الله علیه و سلم حاضر شده و بر آنها قرآن تلاوت نموده و آنها نیز به سوی قومشان با حالت انذار برگشته اند در میان جن افرادی صالح، عابد، زاهد و عالم وجود دارند چون لازمه انذار این است که فرد انذار کننده عالم به موارد انذار باشد و خودش اهل عبادت باشد.

دوم اینکه: جن را برای موارد مباح به استخدام خویش در آورد این مورد به شرط اینکه وسیله اش مباح باشد جایز است و در صورت حرام بودن وسیله، آن نیز حرام می گردد مثلاً اگر جن تنها در صورتی در استخدام او درآید که شرک انجام دهد برای مثال برایش قربانی و یا رکوع و سجود کند در این موارد استخدام جن حرام است. سوم اینکه: جن را برای امورات حرام چون دزدیدن اموال مردم و ترساندشان و امثال اینها بکار بگیرد این مورد نیز موجب ظلم و تعدی به دیگران است و حرام می باشد و اگر وسیله استخدام آن نیز حرام یا باعث شرک باشد حرام بودنش شدیدتر و بزرگتر خواهد بود.

**سؤال :** آیا جن غیب می داند؟

**جواب:** جن غیب نمی داند چنانکه خداوند می فرماید: ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ (نمل ۶۵) «به جز الله هیچ کس در آسمانها و زمین غیب نمی داند.» و می فرماید: ﴿فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَهَمَهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ﴾ (سبا ۱۴) «و چون مرگ را بر سلیمان مقرر کردیم جز کرم چوب خواره کسی را بر آن آگاه نکریم که عصای سلیمان را می خورد و آنگاه که سلیمان جسدش بر زمین افتاد مرگش برای جنها مشخص گردید که اگر غیب می دانستند در آن عذاب خوارکننده باقی نمی ماندند.» و هرکس مدعی علم غیب باشد کافر می شود و هرکس نیز که تصدیق کننده کسی باشد که غیبگویی را تصدیق می کند او نیز کافر می شود چنانکه خداوند متعال می فرماید: ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ (نمل ۶۵) «به جز الله هیچ کس در آسمانها و زمین غیب نمی داند.» در زمین و آسمان هیچکس عالم به غیب نیست و هرکس مدعی دانستن غیب در آینده است جملگی کهانت محسوب می شود. از رسول الله صلی الله

علیه و سلم ثابت است که فرمود: «**أَنْ مِنْ أَتَى عَرَاضاً**

**فَسَأَلَهُ لَمْ يَقْبَلْ لَهُ صَلَاةُ أَرْبَعِينَ يَوْماً**» (هرکس پیش غیبگویی برود و از او درخواست کند نماز چهل روزش قبول نمی شود.) و در صورتی که آن را تصدیق کند به واسطه آن کافر می شود چون اگر او را در غیبگویی تصدیق کند خداوند متعال را تکذیب کرده است که می فرماید: ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ (نمل ۶۵) «به جز الله هیچ کس در آسمانها و زمین غیب نمی داند.»

**سؤال:** حکم کسی که جن را به وسیله طلسمهایی

حاضر می کند و به وسیله او گنجهایی که در زمانهای قدیم در آنجا مدفون شده اند را می یابد، چیست؟

**جواب:** این عمل جایز نیست چون این طلسمها که به واسطه آن جن را به خدمت می گیرند در اکثر موارد خالی از شرک نمی باشد و شرک مسئله ای بسیار خطرناک است چنانکه پروردگار متعال می فرماید: ﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ (مائده ۷۲) «هرکس برای الله شریک قرار دهد خداوند بهشت را بر او حرام و جایگاهش را در آتش قرار می دهد و ظالمان را یاورى

نیست.» هرکس چنین کاری را انجام دهد دچار غرور نفس می شود و خود را بر حق می داند و به واسطه آنچه از اموال کسب می کند نیز دچار غرور می گردد؛ بر انسان واجب است که با چنین افرادی قطع رابطه کند و از رفتن به پیش آنها پرهیز نماید و همچنین برادران مسلمان خویش را نیز از چنین کارهایی و رفتن به سوی آنها منع نماید و اکثر چنین افرادی فربکار هستند و به قصد اخذ مال مردم آنها را فریب می دهند و چیزهایی را به حدس و گمان می گویند. اگر موافق حق بود آن را بین مردم شایع می کنند و می گویند ما چنین گفتیم در نتیجه آن چنان شد و اگر موافق حق هم نگردید یک سری ادعای باطل را بر زبان می رانند و چیزهایی را مانع تحقق دعاوی خویش قرار می دهند و من کسانی را که به چنین مسائلی مبتلا شده اند، نصیحت می کنم و به آنها می گویم: از آن برحذر باشید که برای مردم دروغ بر هم نیاورید و دچار شرک به خداوند متعال نشوید تا مال مردم را به ناحق بدست آورید چون سرآمد دنیا کم و حساب روز قیامت سخت است و بر شما لازم است از این کار توبه کنید و اعمال خویش را اصلاح و اموال خویش را پاکیزه و پاک گردانید. و الله الموفق.

**سؤال:** آیا دلیلی مبنی بر دخول جن به داخل انسان وجود دارد؟

**جواب:** بلی از کتاب و سنت بر این قضیه دلیل وجود دارد. خداوند متعال در قرآن می فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ) (بقره ۲۷۵) «کسانی که ربا خوارند روز قیامت مانند کسی که شیطان به او آسیب رسانده و دیوانه کرده از گورها بر می خیزند.» ابن کثیر- رحمه الله - می گوید: "لا يقومون من قبورهم يوم القيامة إلا كما يقوم المصروع حال صرعه وتخطب الشيطان له" (از گورهایشان بر نمی خیزند مگر چون کسی که دچار صرع شده و شیطان به او آسیب رسانده است.) رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: «**إن الشيطان يجري من ابن آدم مجرى الدم**» (به راستی که شیطان در بدن انسان چون خون روان جریان می یابد.) اشعری در مقالات اهل السنة و الجماعة می گوید: "إنهم أي أهل السنة يقولون: **إن الجنى يدخل فى بدن المصروع**" (اهل سنت معتقد است که جن در بدن کسی که دچار صرع شده است وارد می شود.) و به آیه ۲۷۵ سوره بقره استناد می کنند. عبدالله پسر امام احمد می گوید: به پدرم گفتم

جماعتی گمان می کنند که جن داخل بدن انسان نمی شود. گفت: پسر دروغ می گویند زیرا جن بر زبان مصروع سخن می گوید. امام احمد و بیهقی از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت کرده اند که پسر دیوانه ای را پیشش آوردند آنگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم شروع به این کلمات کرد: «**اخرج عدو الله، اخرج عدو الله**» (خارج شو ای دشمن خدا، خارج شو ای دشمن خدا) و در بعضی الفاظ آمده که فرمود: «**اخرج عدو الله أنا رسول الله**» (خارج شو ای دشمن خدا من رسول خدا هستم.) آنگاه پسر بچه شفا یافت.

چنانکه ملاحظه می کنید در مورد این مسئله دلیلی از قرآن و دو دلیل از سنت بیان گردید و آن اعتقاد اهل سنت و سخن امامان سلف این امت است و واقعیت نیز شاهد بر آن است و با این توضیحات منکر این نیستیم که برای مجنون اسباب دیگری نیز چون اختلال اعصاب و یا مرضهای روانی و مغزی باعث آن باشند.

**وصلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه وسلم**

مجموع الفتاوی و رسائل شیخ عثیمین رحمه الله